

دکتر کریگ کینر، اعمال رسولان، سخنرانی ۱۹ اعمال رسولان ۱۸، آمدن پولس به قرنتس

کریگ کینر و تد هیلدبرانت © ۲۰۲۴

این دکتر کریگ کینر است که در حال تدریس در مورد کتاب اعمال رسولان است. این جلسه نوزدهم در مورد اعمال رسولان ۱۸ است. پولس به قرنتس می‌آید.

خوشبختانه، معمولاً، حتی وقتی گاهی اوقات رنج می‌کشیم، بعداً زمان‌هایی برای آرامش وجود دارد. مقدونیه از نظر جسمی و احتمالاً عاطفی با پولس و سیلاس بسیار خشن بود. اما وقتی آنها به قرنتس می‌رسند، اوضاع بسیار آرام می‌شود.

در آتن، مخالفت لفظی وجود دارد، اما هیچ آزار و اذیتی از نظر ضرب و شتم یا چیزهایی از این قبیل وجود ندارد. و در مورد کورینت هم همینطور. حداقل برای ۱۸ ماه، اوضاع خیلی خوب خواهد بود.

و خداوند قرار است در رؤیای شب با او صحبت کند و او را به این طریق در قرنتس تشویق کند. خوب، بیایید به قرنتس نگاه کنیم. قرنتس نزدیک آتن بود.

قرنتس پایتخت اخائیه بود. در واقع، انجیل باید از آنجا گسترش یافته باشد، زیرا در دوم قرنتیان، پولس از کلیساهای اخائیه صحبت می‌کند. خوب، در آیه ۲، می‌خوانیم که دلیل ملاقات او با آکیلا و پرسکلا در آنجا، اخراج آنها از روم بوده است.

گفته می‌شود که امپراتور کلودیوس یهودیان را از ایتالیا اخراج کرده است. این موضوع توسط سوئتونوس نیز تأیید شده است. در مورد زمان وقوع این اتفاق بحث وجود دارد.

معمولاً تاریخ آن به سال ۴۱ یا بیشتر و احتمالاً بیشتر برمی‌گردد، و من در این مورد، سال ۴۹، نوشته‌ام. دیو کاسیوس در قرن سوم، گواهی بر اخراج نیست. آن بخش از دیو کاسیوس در واقع مفقود است.

اما او در عوض گواهی می‌دهد که یهودیان در زمان کلودیوس نمی‌توانستند با هم ملاقات کنند. و این ممکن است در سال ۴۱ میلادی بوده باشد. شاید هم زودتر بوده باشد، با محدودیت کمتری.

و سپس در سال ۴۹، آنها اخراج شدند. اینکه آنها اخراج شدند تقریباً قطعی است زیرا سوئتونوس و لوقا هر دو به طور مستقل به این موضوع گواهی می‌دهند. لوقا قبل از سوئتونوس می‌نویسد.

سوئتونوس قطعاً آن را از لوقا نگرفته است. او جزئیاتی را به ما ارائه می‌دهد که لوقا ارائه نمی‌دهد و احتمالاً لوقا نمی‌خواسته ارائه دهد. اما سوئتونوس در اوایل قرن دوم می‌نویسد.

او خیلی قبل از دیو کاسیوس، حدود یک قرن قبل از اینکه دیو کاسیوس بنویسد، می‌نویسد. بنابراین، ما دلیل خوبی داریم که باور کنیم این یک اخراج است. اخراج مشابهی در زمان تیبریوس وجود داشت، زمانی که در واقع تعدادی از مردان جوان نه تنها اخراج شدند، بلکه به ارتش روم فراخوانده شدند تا به جنگ بروند و احتمالاً جان خود را از دست بدهند.

بر اساس آن منابع مربوط به اخراج یهودیان در زمان تیبریوس، تخمین زده می‌شود که حدود ۴۰ تا ۵۰ هزار یهودی در روم وجود داشته است که شاید ۵٪ از جمعیت روم را تشکیل می‌داد. حال وقتی از اخراج

صحبت می‌کنیم، منظورمان از اخراج، اخراج رسمی آنهاست، نه اینکه همه واقعاً آنجا را ترک کرده باشند. اغلب رومی‌ها اعلامیه‌های رسمی و مردمی صادر می‌کردند که این گروه از روم اخراج شده‌اند.

آیا واقعاً همه آنجا را ترک کردند؟ احتمالاً نه. پس از پایان اخراج، بازایی اموالشان برای آنها بسیار دشوار خواهد بود و برخی از آنها برمی‌گردند. این قوانین به اندازه‌ای که مقرر شده بود، اجرا نشدند.

بنابراین، اکثر محققان معتقدند که برخلاف گفته‌های سوئونیوس و به ویژه لوقا، واقعاً همه یهودیان آنجا، به صورت اغراق آمیز استفاده می‌کند all را ترک نکردند. اما به یاد داشته باشید که لوقا گاهی اوقات از کلمه مانند اعمال رسولان فصل ۱۹، که می‌گوید تمام آسیا از طریق خدمت پولس در افسس، کلام را دریافت کردند. خب، مطمئناً این کلام به تمام آسیا گسترش یافت، اما آیا واقعاً به معنای واقعی کلمه به معنای هر فرد است؟ درست مانند متی و متی ۴، همه کسانی که در سوریه بیمار بودند، نزد عیسی آورده شدند و او همه آنها را شفا داد.

اگر او در متی فصل ۴ همه بیماران سوریه را شفا داد، پس بقیه بیماران متی را از کجا می‌توانیم بیاوریم؟ همه بیماران اعمال رسولان را از کجا می‌توانیم بیاوریم؟ بنابراین، یک عنصر وجود دارد، و این فقط نویسندگان به این شکل all کتاب مقدس نبودند، منظورم این است که نویسندگان به طور کلی بودند که از کلمه استفاده می‌کردند. لزوماً به معنای هر فرد نبود، اما به معنای بسیار گسترده‌ای بود. سوئونیوس می‌گوید که این اتفاق به خاطر یک کرسستوس رخ داد.

کرسستوس یک نام برده رایج بود، بنابراین در روم نامی رایج بود. در واقع یک کلمه یونانی به معنای مهربان بود. اما همچنین یک غلط املائی رایج رومی از کریستوس بود زیرا رومی‌ها با این نام به جز کریست آشنا نبودند.

سوئونیوس نام مسیح را می‌دانست، اما ممکن است منبع او این کار را نکرده باشد. و اکثر محققان اینجا فکر می‌کنند که منبع سوئونیوس، کرسستوس را اشتباه فهمیده است و اخراج جامعه یهود از روم، و این ناآرامی‌ها به یک کرسستوس مربوط بوده است. خب، این منطقی است، زیرا مسیح چه بود؟ مسیح یک پادشاه بود، و این در روم خیلی خوب جا نمی‌افتاد.

و همچنین، جامعه یهودی بر سر چه چیزی بحث می‌کرد؟ خب، آنها احتمالاً آنقدر که بر سر هویت مسیح بحث می‌کردند، بر سر یک برده بحث نمی‌کردند. بنابراین، اکثر محققان فکر می‌کنند که این چیزی بود که آنها بر سر آن بحث می‌کردند، و حداقل برخی از یهودیان مجبور به ترک آنجا شدند. مطمئناً تحریک کنندگان پس از صدور حکم، عاقلانه بود که شهر را ترک کنند.

کسانی که در این اختلافات دخیل بودند، عاقلانه بود که آنجا را ترک کنند. چرا لوقا به این موضوع اشاره نکرد؟ به یاد داشته باشید، لوقا در حال نوشتن یک دفاعیه است. وقتی شما دفاعیه می‌نویسید، همانطور که یوسفوس نوشت، به سوابق خوب اشاره می‌کنید.

شما به بدی‌ها اشاره نمی‌کنید. و اگر این موضوع ربطی به بحث‌های مربوط به مسیح بودن عیسی داشت، دلیل خوبی وجود داشت که لوقا نمی‌خواست بر این نکته تأکید کند. اما دلیل خوبی هم برای آکیلا و پرسکلا وجود داشت که احتمالاً از مؤمنان یهودی بودند.

ممکن است آنها توسط پولس به مسیح ایمان آورده باشند، اما ممکن است قبلاً در روم ایمانداران یهودی بوده‌اند. ما در مورد مردم روم در اعمال رسولان باب ۲ خوانده‌ایم. روم با آمدن پولس یا دیگران به عنوان قلب امپراتوری، تمام آنچه را که نیاز داشتند، نداشت. اما برخی از ایمانداران در آنجا بودند.

و به هر حال، آنها احتمالاً حدود سال ۴۹ اخراج شدند، که با این روایت مطابقت دارد زیرا به دلایلی که خواهیم دید، این اتفاق احتمالاً حدود سال ۵۱، با کمی یا زیادی یک سال، رخ داده است. آکیلا و پریسیلا یا پریسیکا. پولس در نامه‌های خود از نام‌های رسمی پریسیکا و سیلوانوس، نام‌های رسمی لاتین، استفاده می‌کند.

لوقا از نام‌های غیررسمی‌تر پریسیلا و سیلاس استفاده می‌کند، اما این دو نفر همان افراد هستند. اینها نسخه‌های غیررسمی، نسخه‌های لاتین غیررسمی از نسخه‌های لاتین رسمی هستند که پولس استفاده می‌کند. و ما این را در جای دیگری نیز می‌بینیم.

چهار مورد از شش مرجع عهد جدید وجود دارد که قبل از ذکر آکیلا، از پریسیکا نام می‌برند، که نشان می‌دهد او از جایگاه بالاتری برخوردار بوده است. اغلب در دوران باستان، استثنائاتی در این مورد وجود داشت، اما اغلب به این صورت بود که شوهر برده زاده و زن آزاد زاده می‌شد. سپس ابتدا از زن نام برده می‌شد.

در حالت عادی، در غیر این صورت، اگر شوهر از جایگاه اجتماعی بالاتری برخوردار نبود، ابتدا نام او را می‌نوشت. در مورد نام‌های رومی، نام‌های رومی برای یهودیان یونانی و لاتین زبان در روم رایج بود. البته همه نام رومی نداشتند، اما رایج بود.

باز هم، شهروندان رومی نیز در روم وجود داشتند. برخی معتقدند که آکیلا احتمالاً عضو آزاد شده از قبیله آکیلا در روم بوده و نام او از آنجا آمده است. اگرچه لوقا می‌گوید که او اهل پونتوس بوده است، بنابراین شاید این نام خانوادگی از نسلی قبل‌تر بوده باشد.

به هر حال، این موضوع قابل بحث است. پریسیکا ممکن است یک شهروند رومی، یک شهروند یهودی رومی متعلق به قبیله رومی پریسیکا، نام خانوادگی یا قبیله رومی پریسیکا، بوده باشد. ما در نامه‌های پولس، رومیان تا ۵، اول قرن‌های ۱۶ و در جاهای دیگر می‌خوانیم که آنها یک کلیسای خانگی داشتند ۳، ۱۶.

آنها یک کلیسای خانگی را رهبری می‌کردند. این کار بسیار رایج بود. ما قبلاً در فصل ۱۲ به کلیساهای خانگی اشاره کرده‌ایم.

پایه اقتصادی آکیلا و پریسیلا یا پریسیکا و آکیلا چه بود؟ خب، آنها قابلیت جابجایی زیادی داشتند، چیزی که اکثر مردم نداشتند. منظورم این است که افراد زیادی سفر می‌کردند، اما اکثر مردم تمام عمر خود را در یک روستا یا یک مکان زندگی می‌کردند. آنها از پونتوس به روم، به قرنتس، به افسس و به روم نقل مکان می‌کردند.

خب، حداقل آکیلا این را دید، اما حداقل آن دو نفر اهل روم بودند، از قرنتس تا افسس و دوباره به روم. این را می‌توانیم در نامه‌های پولس ببینیم. آنها صنعتگر و تاجر بودند.

صنعتگران و بازرگانان گاهی مجبور به نقل مکان می‌شدند. بازرگانان اغلب این کار را می‌کردند. اغلب مهاجران همانطور که سفر می‌کردند، هر زمان که به شهر جدیدی می‌رفتند، باید طبق قوانین آن شهر میزبان زندگی می‌کردند.

آنها می‌توانستند برای تجارت با هم ملاقات کنند. خارجی‌های گروه‌های مختلف با هم ملاقات می‌کردند و گاهی اوقات به عنوان یک پالاتومای نیمه خودمختار، یک گروه تجاری که تا حدودی استقلال سیاسی خود را

داشت، به عنوان یک گروه قومی یا اجتماعی از بیگانگان ساکن در یک شهر، شناخته می‌شدند. من نباید می‌گفتم یک گروه تجاری، یک گروه قومی.

ما همچنین می‌بینیم که آنها باید از نظر اقتصادی تأمین بوده باشند، زیرا به عنوان حامی عمل می‌کردند. منظورم این است که یک فرد معمولی در شهرها زندگی می‌کرد، در طبقات بالا زندگی می‌کرد که در واقع نمی‌توانست هیچ کاری انجام دهد. آنها در طبقات بالا، اتاق‌هایی که در آنها زندگی می‌کردند، به اندازه کافی بزرگ نبودند که بتوانند در آنها بخوابند.

و گاهی اوقات آنها یک منقل زغالی برای پخت و پز داشتند. اما معمولاً خیلی بزرگ نبود. بنابراین، بیشتر مردم فقیر بودند.

آنها نمی‌توانستند از عهده‌ی حمایت مالی و حمایت از افراد در خانه‌شان بربایند. می‌توانستید خانه‌هایی داشته باشید که بتوانید در آنها از افراد حمایت مالی کنید. اگر برخی از همسایه‌هایتان در این آپارتمان‌های بزرگتر در طبقات بالا جمع می‌شدند، یک راهروی طولانی وجود داشت که اتاق‌های مختلف را به هم متصل می‌کرد.

و بنابراین، شما می‌توانید مکانی مانند یک مکان طولانی داشته باشید که بتوانید در آن جلسه داشته باشید اما البته همسایگان شما باید با آن موافقت کنند. و ممکن است آنجا جایی باشد که برخی از کلیساهای خانگی در رم در آن جلسه برگزار می‌کردند.

شاید کلیساهای آپارتمانی بودند. اما در طبقه اول، گاهی اوقات، خب، معمولاً فضای بیشتری داشتند. آپارتمان‌های طبقه اول بهتری داشتند.

و آکیلا و پریسیلا، اگر در خانه‌هایشان کلیسا برگزار می‌کنند، احتمالاً خانه‌هایشان به اندازه کافی بزرگ بوده که برای این منظور مناسب باشد. آنها از اهالی شهرستان‌های شرقی و بنابراین یهودی هستند. این وضعیت مطلوبی نبود، اما آنها تا حدودی از نظر فرهنگی جذب شده‌اند.

آنها صنعتگر بودند، که یک شغل سطح پایین شهری بود، اما بسیار فراتر از آن بود. منزلت اجتماعی پایینی داشت، اما بسیار فراتر از آن چیزی بود که دهقانان داشتند. استقلال، نسبیت و تحرک آنها نشان می‌دهد که درآمدی داشته‌اند.

در کورینت، اختلاف طبقاتی قابل توجهی وجود دارد. و احتمالاً مانند روم، ممکن است برخی افراد ثروتمند در طبقات پایین و افراد فقیر در طبقات بالاتر زندگی کنند. اما از نظر طبقه اقتصادی نیز تا حدودی جداسازی وجود داشته است.

ثروتمندان قرن‌س به ویژه در نزدیکی مجسمه، یک محله خاص در قرن‌س، زندگی می‌کردند. احتمالاً تعداد بیشتری از کلیساهای خانگی در آنجا وجود داشته و مردم پیاده به آنجا می‌رفتند. اگرچه اولین کلیسای خانگی احتمالاً در یک منطقه یهودی‌نشین در کنار کنیسه، خانه عدالت تیتیوس، خواهد بود.

شاید گایوس تیتیوس جاستیس، برخی فکر می‌کنند. بعضی از زنان صنعتگر بودند. اغلب، آنها در فروش کمک می‌کردند.

زن و شوهر گاهی اوقات با پول زن، مشارکت تجاری تشکیل می‌دادند. این مشارکت، سوسایتاس یا سوسیه تاس نامیده می‌شد.

چرا آنها از ابتدا در قرن‌تس بودند؟ و چرا پولس از ابتدا در قرن‌تس بود؟ خب، شهر بسیار مهمی بود و احتمالاً مهمترین جامعه یهودی در یونان یا در اخائیه، جنوب مقدونیه، در آن ساکن بودند. عنصر رومی، برجسته و حتی غالب است. هشت نام از 17 نام مسیحی که از قرن‌تس داریم، نام‌هایی در کلیسای قرن‌تس، لاتین هستند.

شما کریسپوس، تیتیوس جاستیس، اراستوس را دارید، البته اگر اراستوس واقعاً عضو بوده باشد. سوستنس یونانی است. اما بسیاری از نام‌ها، تقریباً نیمی از آنها، به زبان لاتین هستند.

خب، قرن‌تس جمعیت بسیار بالایی از مردم با نام‌های رومی و افرادی که به زبان لاتین صحبت می‌کردند داشت. بسیاری از یهودیان نام‌های رومی داشتند، اما نه این درصد. یک سوم افرادی که در نامه‌های پولس از آنها نام برده شده است، نام‌های رومی دارند.

بنابراین، این ده برابر بیشتر از حد انتظار در بین غیر رومی‌ها است. بنابراین احتمالاً آنها در حال نفوذ به جامعه رومی‌ها نیز هستند. اگر شما شهروند قرن‌تس بودید، شهروند افتخاری روم محسوب می‌شدید.

این مکان پیش از این به عنوان مستعمره کهنه سربازان تأسیس شده بود. و به همین دلیل، آنها یک طبقه کامل از تازه به دوران رسیده‌ها را داشتند. بسیاری از افرادی که تازه به دوران رسیده بودند، علاوه بر کهنه سربازان، در واقع در آنجا ساکن شدند.

تعداد زیادی از آزادگان رومی در آنجا ساکن شدند. اما آنها از نظر اقتصادی در حال پیشرفت بودند. روم نابود شده بود، فکر می‌کنم حدود سال ۱۴۶ پیش از میلاد.

اگرچه باستان‌شناسی نشان می‌دهد که یونانیانی به آنجا بازگشته و در آنجا زندگی می‌کردند، اما این شهر رسماً در قرن اول پیش از میلاد، و شاید حدود سال ۴۴، به عنوان یک شهر، تحت حکومت سزار، دوباره احیا شد.

و در این زمان، بسیاری از رومی‌ها به آنجا نقل مکان کردند. بنابراین، شما مستعمره‌نشینان رومی را دارید. اما یونانی‌ها نیز از حومه شهر به این شهر تازه تأسیس نقل مکان می‌کردند.

و همچنین تعداد زیادی خارجی آنجا بودند، چون آنجا مکانی با تجارت فراوان بود. درست روی تنگه کورینت قرار داشت. در واقع، آنها سعی کردند در این تنگه یک کانال حفر کنند.

نرون سعی کرد کانالی حفر کند و موفق نشد. اما آنها چیزی به نام دیالکوس داشتند که می‌توانستید محموله‌ها را از آن عبور دهید. بنابراین، نمی‌خواستید از نوک جنوبی یونان عبور کنید زیرا خیلی قابل کشتیرانی نبود.

خیلی سنگلاخی و غیره. بنابراین، اگر از ایتالیا می‌آمدید، می‌توانستید به سمت شمال بروید و مسیر زمینی که را انتخاب کنید. یا می‌توانستید از ایتالیا با قایق بروید، Via Egnatia قبلاً به آن اشاره کردم، یعنی

شما می‌توانستید با کشتی به آنجا بروید، خب، راه‌های دیگری هم برای رفتن به جنوب وجود دارد. اما اگر می‌خواستید از یونان عبور کنید و به آسیای صغیر بروید، می‌توانستید از دریای آدریاتیک عبور کنید و وارد این پهنه آبی شوید تا به تنگه کورینت برسید. و سپس محموله را می‌توانستید با چیزی شبیه واگن از این سو به آن سو بکشید.

بعضی وقت‌ها حتی می‌شد از قایق‌های کوچک استفاده کرد، حتی می‌شد قایق‌های کوچک را روی چیزی چرخ‌دار گذاشت و روی دیالکوها کشید. و بعد در آن طرف دیالکوها، دریای اژه را داشتیم.

و از آنجا می‌توانستید مستقیماً با کشتی به آسیای صغیر بروید. آسیای صغیر در این دوره مرفه‌ترین استان روم بود. بنابراین، مراودات زیادی بین آسیای صغیر و روم وجود داشت.

بنابراین، شهر بسیار مرفه‌ی بود. همچنین، خب، اگر اول قرن‌تین را خوانده باشید، می‌توانید حدس بزنید که فساد جنسی زیادی هم داشت، که در شهرهای بندری با ملوانانی که ماه‌ها بدون خانه می‌مانند، طبیعی بود اگرچه خود ملوانان اغلب برده بودند. اغلب به این صورت مردم را به انجام این نوع کارها یا افراد بسیار بسیار فقیر وادار می‌کردند.

اما در مورد کورینت قدیمی گفته شده بود که سفر به کورینت برای هر کسی مناسب نیست. و گفته می‌شد که کورینتیز از نظر جنسی مانند یک کورینت رفتار می‌کند. این شهر در دوره‌های گذشته به خاطر روسپیگری اختصاص داده شده به آفرودیت مشهور بوده است، اگرچه باستان‌شناسی نشان می‌دهد که در آکرو-کورینت، معبد آفرودیت نمی‌توانسته واقعاً هزار فاحشه فرقه‌ای را در خود جای داده باشد.

شاید آنها فقط در شهر پایینی زندگی می‌کردند و خود را وقف آفرودیت کرده بودند. اما آن شهر در قرن‌تس قدیم بود. اما قرن‌تس جدید هنوز به فساد اخلاقی شهرت داشت.

ما هنوز هم آن را در اسناد مربوط به این دوره می‌یابیم، و به عنوان یک شهر بندری کاملاً طبیعی بود. افسس نیز از این موارد زیاد داشت. در هر صورت، چیز دیگری که قرن‌تس داشت، این بود که یک شهر بندری در برزخ بود، خب، در واقع بنادر مخصوص به خود را در برزخ داشت، لیکائون در یک طرف و کانکری در طرف دیگر، جایی که به فیبوس از رومیان ۱۶، آیات ۱ و ۲ و کانکری نیز اشاره شده است.

پولس در اعمال رسولان ۱۸، حدود آیه ۱۸، از آنجا حرکت کرد. در هر صورت، افراد زیادی، خارجی‌های زیادی به آنجا می‌آمدند. بنابراین قرن‌تس متنوع شده بود.

بسیاری از خارجی‌های شرق مدیترانه طبیعتاً یونانی صحبت می‌کردند، اگرچه مردم اطراف شهر عمدتاً به زبان لاتین صحبت می‌کردند. آنها در کتیبه‌های خود از لاتین استفاده می‌کردند. در این قسمت زیرین شهر می‌توانید آن را از قطعات سفال شکسته و غیره ببینید، آنچه آنها به زبان یونانی می‌نوشتند و آنچه احتمالاً اغلب صحبت می‌کردند یونانی بود که دوباره در قرن دوم رواج یافت.

در هر صورت، آنها آسکلپیوس را داشتند که خیلی بزرگ بود، کانکری، خب، ایسیس و سیراپیس، و بعد آسکلپیوس، که یک فرقه یونانی بود، در کورینت و درست خارج از کورینت محبوب بود. اما تعداد زیادی خارجی، از جمله تعدادی یهودی. بنابراین، باز هم، آنجا مکانی طبیعی برای اقامت آنها بود.

حالا، می‌بینیم که پولس با آنها در همان حرفه کار می‌کند. این اولین باری است که متوجه می‌شویم پولس یک حرفه را انجام می‌دهد. شاید این چیزی باشد که لوقا می‌خواهد بیش از حد لازم به آن اشاره کند، زیرا مورد تنفر نخبگان بود، و پولس در واقع آن را در میان رنج‌های خود در اول قرن‌تین ۱۱: ۴ و ۱۲، کار با دستانش فهرست می‌کند.

اما کار یدی مورد تنفر فیلسوفان بود، و به ویژه نخبگان. چهار راه وجود داشت که یک حکیم می‌توانست دستمزد بگیرد. می‌توانستید شهریه بگیرید، یعنی شهریه

بعضی از ما الان از این طریق امرار معاش می‌کنیم. ما برای مدرسی کار می‌کنیم که شهریه می‌گیرند. می‌توانید یک حامی داشته باشید.

شما می‌توانید به عنوان یک حکیم خانگی استخدام شوید، برای سرگرمی در ضیافت‌ها یا جایی دیگر استفاده شوید، و آن شخص می‌گوید، خب، من حامی هنر هستم. خب، من حامی آموزش هستم. من حکیم خانگی خودم را دارم که برای من سخنرانی می‌کند و من هر چه او بگوید انجام می‌دهم، تا زمانی که آنچه او می‌گوید همان چیزی باشد که من با آن موافق هستم.

و اگر چیزی که من با آن موافقم را نگوید، آنوقت ممکن است یکی دیگر را بگیرم، می‌دانی. آن‌ها همیشه به خاطر چاپلوسی معروف نبودند، گاهی اوقات به خاطر تملق معروف بودند. اما در هر صورت، دیگری التماس می‌کرد.

بیشتر فیلسوفان این را تأیید نمی‌کردند. این کار خیلی سطح پایین تلقی می‌شد، اما این کاری بود که بدبینان انجام می‌دادند. بدبینان در گوشه خیابان می‌ایستادند.

آنها جز لباس‌هایشان چیز زیادی نداشتند. می‌دانید، فقط یک شنل. آنها یک کیسه برای گدایی داشتند. هرچند گفته می‌شود وقتی یکی از آنها پسری را دید که با دستانش آب می‌نوشید، لیوانش را دور انداخت.

اما آنها کیسه‌ای برای گدایی داشتند، و یک عصا. حالا، آنها گاهی اوقات مردم را سرگرم می‌کردند، اما برخی از آنها می‌توانستند بسیار خشن و بدجنس باشند. گفته می‌شود که در یکی از موارد بدبینان، این فیلسوف بدبین گفته است که تمرین خواهد کرد، و به دیگران توصیه کرده است که تمرین کنند، از مجسمه‌ها گدایی کنند تا بتوانند به طرد شدن عادت کنند.

اما همچنین، گاهی اوقات، و شاید این باشد، ما این را در ادبیات باستانی داریم، اما ممکن است اغراق‌آمیز باشد. آنها می‌توانند از کارکنان خود استفاده کنند. اگر به آنها پول ندهید، چه می‌شود اگر شما را مسخره کنند؟ اما اگر به آنها پول بدهید، ممکن است به هر حال به شما توهین کنند فقط برای اینکه به شما نشان دهند که برایشان مهم نیست در مورد آنها چه فکر می‌کنید، و این روشی است که بدبینان داشتند.

یک آدم بدبین به یک ضیافت دعوت شد و همه چیز در اطرافش خیلی خوب بود. و بعد از مدتی، او روی دامن میزبان تف کرد. و او گفت، چرا روی دامن من تف کردید؟ ما گفتیم که همه چیز دیگر اینجا خیلی خوب است.

چیز دیگری برای تف کردن نداشت. آنها همچنین گاهی اوقات به خاطر تحریک جنسی یا دفع ادرار در ملاء عام شناخته می‌شدند، زیرا برایشان مهم نبود که دیگران در مورد آنها چه فکر می‌کنند. خب، پولس آشکارا جزو آن سنت، می‌دانید، فیلسوفان بدبین نبود.

برخی از تفکرات او، مانند تفکر برخی از رواقیون، در برخی زمینه‌ها با او مطابقت دارد، اما می‌دانید، پولس چنین کارهایی نمی‌کند. اما آشکارا موعظه می‌کرد، بدبینان از جمله کسانی بودند که این کار را می‌کردند، اما فیلسوفان دیگر نیز همینطور بودند، به خصوص آنهایی که نمی‌توانستند جایی شغلی پیدا کنند. بنابراین او التماس می‌کرد.

بعضی‌ها گدایی می‌کردند، اما نوعی از گدایی وجود داشت که احتمالاً منفورترین نوع گدایی بود. بدبینان نمی‌خواستند این کار را انجام دهند، و فیلسوفان دیگر نمی‌خواستند این کار را انجام دهند یا گدایی کنند، اما گاهی اوقات برخی دیگر این کار را بهتر از گدایی می‌دانستند. کار یدی

در ایدئولوژی اشرافی، این خیلی تحقیرآمیز بود. فقط، می‌دانید، برخی از حرفه‌ها بهتر در نظر گرفته می‌شدند مثلاً نقره‌کار از آهنگر بهتر بود، اما در هر صورت، استثناهایی مانند رواقیون، کلناتس و میسونیوس روفوس وجود داشتند که برای کار ارزش قائل بودند، ایده رواقیون خودکفایی، اما خود کارگران یدی برای آن ارزش بیشتری قائل بودند.

آنها به خاطر این کار به پولس بی‌احترامی نمی‌کردند، و این در منابع یهودی مورد ستایش قرار گرفته است. شمعی. من قبلاً در مورد هیلل و شمعی صحبت کرده‌ام.

خب، گفته می‌شود نسل قبلی فرزنانگان، شَمعی و ابتالیون بوده‌اند. و شَمعی می‌گوید، کار را دوست بدار میشنه ابوت، ۱۱۰. رپی یا رَبان گامالتیل بن یهودا هَناسی، که خیلی بعدتر رپی شد، گفت، مطالعه تورات در کنار راه و روش دنیوی خوب است.

به عبارت دیگر، کار کردن. زیرا کار آنها باعث فراموشی گناه می‌شود. امروزه گاهی اوقات می‌گوییم ذهن بیکار محل کار شیطان است یا هر چیز دیگری.

رپی الیعازر بن عزریا. اگر تورات نباشد، راه زمینی هم نیست. اگر راه زمینی نباشد، تورات هم نیست.

خاخام‌های بعدی نسبت به وابستگی به دیگران هشدار دادند. اما از سوی دیگر، خاخام نهونیا بن هاکانا را دارید. اگر یوغ تورات را به گردن بگیرید، از یوغ روم و از راه زمین آزاد می‌شوید.

منابع بعدی نیز تصریح می‌کنند که معلم باید حقوق دریافت کند. بنابراین در نهایت، این حرفه بیشتر به یک حرفه تبدیل شد و بیشتر شامل کسانی می‌شد که از قبل ثروتمند نبودند یا از راه‌های دیگری امرار معاش نمی‌کردند. با این حال، منابع اولیه یهودی، برخی از مشاغل پیش‌پاافتاده را تحقیر می‌کردند.

اما برخی از صنایع دستی وجود داشت که آنها ستایش می‌کردند. صندل‌سازان، نانوایان، نجاران. ما یک معلم یهودی را می‌شناسیم که نجار بود و توسط یک نجار، عیسی ناصری، بزرگ شده بود.

کارگران چرم و کاتبان. کاتبان تا حدودی واضح هستند. اما کار با چرم نیز بسیار جالب است زیرا ممکن است پولس این کار را انجام داده باشد و ما در چند لحظه آینده بیشتر در مورد آن صحبت خواهیم کرد.

صنعتگران سخت کار می‌کردند. تولید آنها عمدتاً در مقیاس کوچک در خانه‌ها، اغلب با آپارتمان‌های نیم‌طبقه در طبقه همکف و مغازه‌های کوچک، انجام می‌شد. اکثر مشاغل، اعضای خانواده یا اعضای خانه از جمله بردگان را استخدام می‌کردند.

با این حال، بزرگترین کسب‌وکارها می‌توانستند تا ۱۰۰ برده را استخدام کنند. اما بیشتر کسب‌وکارها کسب‌وکارهای کوچک‌تر و خانوادگی بودند. به طور متوسط، آنها شش تا ۱۲ کارگر داشتند.

روز کاری می‌توانست از طلوع تا غروب آفتاب باشد. اما این به آنها فرصت‌های زیادی برای گفتگو می‌داد، که مهم خواهد بود و ما بیشتر در مورد آن صحبت خواهیم کرد. بعضی از مغازه‌ها پر سر و صدا و خطرناک بودند.

بعضی از آهنگرها و مجسمه‌سازها. یادم می‌آید یک بار در چند آپارتمان کار دستی انجام می‌دادم و کاری که از همه بیشتر از آن متنفر بودم، وقتی بود که بین آجرها را با قلم می‌تراشیدم، جاهایی که ملات ناهموار بود را قلم می‌زدم و سعی می‌کردم آن را صاف کنم. و من این کار را تمام روز و تمام شب انجام می‌دادم و گوش‌هایم هنوز با همان صدا زنگ می‌زد.

تا مدتی بعد از اینکه کارم تمام شد، این وضعیت ادامه داشت. اما بعضی از مغازه‌ها پرسروصدا و خطرناک بودند. برای بعضی دیگر، مثل چرم‌دوزها و صندل‌دوزها، مغازه‌هایشان ساکت بود و می‌توانستی حرف بزنی.

فلیسیوس، کفاش، در حالی که کسی با صدای بلند کتاب می‌خواند، مشغول دوخت و دوز بود. بعضی‌ها آنجا چرت می‌زدند. گاهی اوقات هم افرادی فقط برای صحبت می‌آمدند تا مکالمه‌ای در جریان باشد.

وقتی کسی چیزی نمی‌خرید، حداقل می‌توانستید با هم صحبت کنید. مغازه‌ها معمولاً تک‌اتاقه بودند. مردم آنجا کار می‌کردند.

آنها لوازم خود را آنجا انبار می‌کردند. آنها اجناس را در آنجا به نمایش می‌گذاشتند و می‌فروختند و خانواده‌ها اغلب در طبقه بالا یا در یک آپارتمان نیم طبقه در همان اتاق تک نفره می‌خوابیدند. من و کارگران چرم پیشنهاد می‌کنیم که ممکن است پاول هم همینطور بوده باشد، کارگران چرم حداقل یک میز، چهارپایه، آئول و چاقو داشتند، سنگ‌ها را تیز می‌کردند تا سایر ابزارهایشان را در شکل مناسب نگه دارند و روغن و سیاه‌کننده برای پرداخت چرم داشتند.

رونالد هاوک به این نکته اشاره می‌کند. او تحقیقات زیادی در این مورد انجام داده است. مغازه‌ها معمولاً نزدیک آگورا یا بازار بودند.

نه، خب، بله، نزدیک بازار. در کورینت، آنجا نزدیک میدان رومی و همچنین محل سخنرانی (بما) بود. بما همان تریبون سخنرانی بود.

خب، این شامل تریبون هم می‌شد، جایی که حاکم می‌توانست از آنجا قضاوت‌ها و احکام خود را صادر کند. صنعتگران، که یک طبقه اقتصادی میانی بین طبقه بالای جامعه و طبقات پایین جامعه بودند. آنها معمولاً به اندازه دهقانان فقیر نبودند.

آنها معمولاً به اندازه دهقانان فقیر نبودند، اما حداقل در بین ساکنان شهری، از فقیرترین افراد آنجا وضعیت بهتری داشتند. اما آنها به طبقه بسیار کوچک بالای جامعه یا طبقه ثروتمند بالای جامعه نیز تعلق نداشتند. یادگیری حرفه‌ها.

کارآموزی، معمولاً در خانواده یا خانواده‌های دیگر با همان حرفه، می‌توانست از سن ۱۰ تا ۱۳ سالگی شروع شود. گاهی اوقات دختران نیز می‌توانستند در مصر این کار را انجام دهند. اما طبق یک کتیبه، این کار حتی می‌توانست تا سن ۲۵ سالگی نیز شروع شود.

رَبی‌ها از پدران یهودیه و سایر مناطق مدیترانه شرقی و شرق دور می‌خواستند که پسران خود را در همان حرفه خودشان آموزش دهند. بنابراین، پولس به احتمال زیاد این حرفه را در روزهای اولیه زندگی از پدرش آموخته است. در آن دوره، علاوه بر مطالعه تورات، از شما انتظار می‌رفت که هر دو را انجام دهید.

اگرچه او احتمالاً از خانواده‌ای نسبتاً مرفه بود، اما در حال یادگیری یک حرفه نیز بود. حال، برخی فکر می‌کنند که پولس به عنوان یک چادر دوز، یک کارگر پارچه‌بافی بود. معمولاً کارگران پارچه‌بافی، مانند پولس شهروند روم نبودند و شهروند طرسوس نیز نبودند.

در واقع، کارگران پارچه‌بافی در قرن اول میلادی در تارسوس اعتراضاتی را مطرح کردند. کارگران پارچه‌بافی در تارسوس اعتراضاتی را مطرح کردند زیرا آنها شهروند تارسوس نبودند، که ممکن است نشان دهد خانواده پولس به خودی خود کارگر پارچه‌بافی نبودند. نخبگان، صنعتگران را به عنوان برده تحقیر می‌کردند.

سیسرو گفته است که هیچ کارگاهی شایسته‌ی یک فرد آزاد نیست. نخبگان آنها را فاقد فضیلت و بی‌سواد می‌دانستند. اما باز هم، اگر به توصیف کارگران یدی از خود در کتیبه‌های روی سنگ قبرشان نگاه کنید، اغلب به کار خود افتخار می‌کنند، به اینکه کار خوبی انجام داده‌اند.

بنابراین احتمالاً نباید اینطور باشد - بخش زیادی از جماعت، این کار پولس را منفی تلقی نمی‌کنند. اما اعضای ممتاز کلیسا، این دلیلی برای خجالت کشیدن آنها از پولس خواهد بود. می‌دانید، شما نباید کار کنید.

بگذارید از شما حمایت کنیم. چون اگر شما کار کنید و این کار یدی را انجام دهید، مایه شرمساری خواهد شد. ما نمی‌خواهیم همکارانمان را به این کار دعوت کنیم.

پولس در نامه‌هایش به قرن‌تین به این موضوع پرداخته است. چادرها در قرن‌تین مهم بودند. برای بازی‌های برکه به سایبان نیاز دارید.

یکی از نقاطی که احتمالاً پولس در قرن‌تس حضور داشته، بازی‌های ایستیمیایی است که یک سال در میان برگزار می‌شد. او در آوریل یا مه سال ۵۱ در آنجا حضور داشت. اما چادرها و چیزهایی مانند چادر نیز برای تئاتر و غیره استفاده می‌شدند. صنعت پارچه‌کتنی در تارسوس بسیار بزرگ بود.

چادرهای کتنی توسط بازرگانان برای غرفه‌های بازار و توسط افراد به عنوان سایبان استفاده می‌شد تا بتوانند در بازارهای کورینت نیز از آنها استفاده کنند. چادریایی تارسوس در سراسر جهان مدیترانه مشهور بود. حتی به نظر می‌رسد که برای پارچه‌کتنی تارسینی نیز ترجمه شده است.

به نظر می‌رسد که در متون رومی به عبری ترجمه شده است. پشم سیلیسیایی از گوتیا مشهور بود. تارسوس نیز به همین دلیل مشهور بود.

گوتیا آنقدر مشهور بود که ردهای گرم ساخته شده در آنجا کولیسیوم یا سیلیسیوم نامیده می‌شدند و از زمان آگوستوس به ایتالیا وارد می‌شدند. برخی فکر می‌کنند که پدر پولس ممکن است در آنجا کار کرده باشد، شاید برای ارتش. برخی گفته‌اند که به این ترتیب آنها شهروندی روم را دریافت کرده‌اند.

اما با توجه به احتمالاتی که از ادبیات باستانی می‌دانیم، بسیار محتمل‌تر است که آنها شهروندی روم را از طریق نوادگان بردگان آزاد شده به دست آورده باشند. اما دیگران استدلال کرده‌اند و من فکر می‌کنم که آنها درست می‌گویند، اگرچه این بحث هنوز کامل نشده است، اما فکر می‌کنم که آنها استدلال قوی‌تری ارائه داده‌اند. حداقل این نظر فعلی من است.

احتمالاً پولس بافنده چادر از گوتیا یا پارچه‌کتن نبود. این کار به ابزارهایی نیاز داشت که برای سفر بسیار بزرگ بودند. پولس بسیار اهل حرکت بود.

او مجبور بود اغلب نقل مکان کند، مخصوصاً قبل از اینکه به قرن‌تس برسد. اما می‌دانیم که او در تسالونیک نیز کار می‌کرد. بنابراین احتمالاً او مجموعه‌ای از ابزار داشته که با آنها چادر و سایر محصولات چرمی می‌ساخته و تعمیر می‌کرده است.

اصطلاحی که در اینجا برای چادرسازی استفاده می‌شود، به طور گسترده برای چرم‌سازی به طور کلی نیز به کار می‌رفت. شما همچنین می‌توانستید چادرهایی از چرم بسازید. در کورینت، کسانی که به چرم‌سازی نیاز داشتند، به ویژه غیرنظامیانی که زیاد سفر می‌کردند، به این معنی است که این مکالمات در کارگاه، او به مسافران، بازرگانان و غیره می‌رسید.

جالب است که از ۱۷ نفر از اهالی قرن‌تس که در عهد جدید به نامشان اشاره شده، نه نفر از آنها احتمالاً به دلایل تجاری در سفر بوده‌اند. احتمالاً اینها افرادی با تمکن مالی و موقعیت اجتماعی خاص بوده‌اند. آنها کسانی بودند که اکثر مؤمنان یهودی به عیسی نمی‌توانستند به آنها دسترسی داشته باشند.

اما پاول می‌تواند به آنها دسترسی پیدا کند. رونالد هاگ بیشترین کار را در این زمینه انجام داده است. در اینجا من فقط از رونالد هاگ پیروی می‌کنم و در برخی موارد از رونالد هاگ در زمینه چرم‌سازی نقل قول می‌کنم.

در کار چرم دو وظیفه وجود داشت، برش و دوخت. شما یاد می‌گرفتید که چگونه، به قول معروف، قطعات چرم را برش دهید تا قرارگیری آنها از استحکام طبیعی چرم بهره‌برد و در نتیجه به بهترین شکل در برابر کشش و کشیدگی مقاومت کند. و همچنین، یاد می‌گرفتید که چگونه آنها را با کوک کوک، کوک درز یا کوک قطع کردن به هم بدوزید.

دو مورد آخر، اگر درزها نیاز به ضد آب بودن داشتند. پس از اتمام دوره کارآموزی، یک شاگرد ممکن است ابزار مخصوص به خود را برای چرم دوزی تهیه کند. خب، چرم دوزی قطعاً از نظر تولید پارچه کتانی نسبت به چادر دوزی مزیت داشت.

چادر دوزی، باز هم، می‌توانست به هر دو صورت انجام شود. اما در مورد پارچه، صنعت نساجی، به این دلیل که به آن اندازه پرسروصدا نبود، ابزارها به آن اندازه بلند نبودند، و همچنین می‌توانستید در آنجا گفتگوهای بیشتری داشته باشید. محیط مذهبی بازار.

خب، در سراسر بازار کورینت مجسمه‌های عمومی وجود داشت. پوزئیدون، آپولو، آفرودیت، هرمس و زئوس. اگر در فرهنگی با اکثریت مسیحی زندگی می‌کنید، به خاطر داشته باشید که مسیحیان می‌توانند در فرهنگ‌های دیگر نیز شکوفا شوند.

و اگر در فرهنگی با اکثریت غیرمسیحی زندگی می‌کنید، می‌توانید به یاد داشته باشید که اولین مسیحیان، خب اولین مسیحیانی که انجیل را پخش می‌کردند، نیز باید همین کار را می‌کردند. ما می‌توانیم با افرادی که با ما مخالف هستند، حداقل از نظر خودمان، در صلح زندگی کنیم. اکثر معابد آگورا، یک معبد داشتند، اکثر معابد در آگورا بودند، آنها معبد آرتمیس افسسی را داشتند، اگرچه، می‌دانید، آرتمیس یک الهه یونانی بود، نسخه افسسی آرتمیس به ویژه مشهور بود، و بنابراین در واقع یک معبد آرتمیس افسسی، حتی در قرن‌تس وجود داشت.

تصاویری از دیونیسوس وجود داشت، آتنا در وسط قرار داشت. بالای آگورا، معبد اکتاوایا، خواهر آگوستوس، قرار داشت. بنابراین، هر جا که نگاه می‌کردید، با یادآوری بت‌پرستی احاطه می‌شدید.

اما این بدان معنا نیست که مسیحیان نمی‌توانند در چنین شرایطی مسیحیان خوبی باشند. صحبت کردن در محل کار. مردم تمام روز کار می‌کنند تا بتوانند مکالمه داشته باشند.

داستان‌هایی درباره سقراط و دیگران وجود دارد که در یک مغازه کفافی یا کفافی درباره سیاست و فلسفه بحث می‌کردند. فرهنگی بود که برای صحبت کردن و غیبت کردن ارزش قائل بود. مردم از پنجره‌ها بیرون می‌رفتند تا با همسایگان خود صحبت کنند.

در خیابان‌ها، مشتریان یا مغازه‌داران همسایه، مردم با هم در میخانه‌ها می‌نوشیدند و در میخانه‌ها غذا می‌خوردند. در رم، اکثر مردم نمی‌توانستند در خانه‌هایشان آشپزی کنند، بنابراین مجبور بودند به سطح خیابان بروند و برای تهیه بیشتر وعده‌های غذایی خود به میخانه‌ها بروند، به جز نان از بازار یا چیزهایی که از بازار می‌خریدند و می‌توانستند از آن طریق بخورند. مردم ناهارهای کاری را با همکارانشان در رستوران‌های میخانه‌ها صرف می‌کردند و غیره.

بدبینان و برخی دیگر از فیلسوفان در چنین مکان‌هایی به گفتمان فکری می‌پرداختند. خب، موعظه‌های مبلغان مذهبی در حال انجام بود. پولس در اعمال رسولان ۲۰ آیه ۳۴ درباره ساعات طولانی خود صحبت می‌کند.

اول تسالونیکیان ۲:۹، اول قرنتیان ۴:۱۲، دوم قرنتیان ۱۲:۱۴. برخی از متون درباره خدمت ۲۸، ۳۰، شبانه‌روزی او صحبت می‌کنند. برخی دیگر درباره کار شبانه‌روزی او صحبت می‌کنند.

او ممکن است همزمان بخشی از هر دو کار را انجام داده باشد. روز و شب به این معنی نیست که تمام شب خوابیده باشد، اما اگر کاری را بخشی از روز و بخشی از شب انجام دهید، حساب می‌شود. و من مطمئنم که پاول وقتی کار نمی‌کرد، کارهای دیگری انجام می‌داد.

اما این کاری بود که او فقط گاهی اوقات انجام می‌داد. شاید قبل از اینکه بودجه‌ای به دست آورد، این کار را زیاد انجام می‌داد. اما گروه‌های صنفی، گاهی خانواده‌هایی که در آن حرفه کار می‌کردند، به صورت اصناف با هم سازماندهی می‌شدند و ممکن بود کل خیابان یا بخشی از شهر را کنترل کنند.

بنابراین، در شهرهای باستانی گاهی اوقات خیابان شیشه، خیابان عود، خیابان عطر، میدان جواهرات، بازار کفایشان، انجمن ماهی فروشان و غیره وجود داشته است. من این را از رمزی مک‌مولن، مورخ ییل، می‌گیرم. یکی از اساسی‌ترین سوالاتی که مردم می‌پرسیدند این بود که کجا زندگی می‌کنید؟ زیرا این کار شغل فرد را نیز مشخص می‌کرد.

چه کار می‌کنی؟ و جوابی که مردم اغلب می‌پرسیدند این بود، در میان آرایشگران یا غیره. و این را روی کتیبه‌ها یا سنگ قبرهای مردم هم می‌نوشتند. بعضی از فروشگاه‌های بزرگ یا فروشگاه‌های عمومی همه چیز وجود داشت، اما معمولاً می‌دانستید برای تهیه کالای خاصی که می‌خواهید به کدام بخش شهر بروید.

و در این دوره، باور کردنش برای خیلی‌ها، حداقل در غرب، سخت است، و شاید خیلی جاهای دیگر نمی‌دانم. اما اغلب همکاری دوستانه‌ای بین افرادی با شغل و حرفه یکسان وجود داشت. آنها خطوط تأمین مشتری داشتند و به جای رقابت بی‌رحمانه با هم کار می‌کردند.

آنها همچنین اصناف تجاری داشتند. اینها عمدتاً نهادهای اجتماعی بودند. آنها تقریباً ماهی یک بار تشکیل جلسه می‌دادند.

و گاهی اوقات آنها وقتی برای این کار دور هم جمع می‌شدند، غذا و شرابی نسبتاً لذیذتر از آنچه معمولاً به تنهایی می‌خوردند، می‌خوردند. آنها ممکن بود برای جشن تولد یک بنیانگذار، یک حامی یا یک خدای حامی گرد هم آیند. و همچنین، به عنوان یک انجمن، با هم متحد می‌شدند تا بتوانند هزینه دفن هر یک از اعضای خود را تأمین کنند.

اگر کسی فوت می‌کرد، خب، همه برای کفن و دفن او هزینه می‌کردند. شما درست موقع مرگ همه این هزینه‌ها را ندارید. رمزی مک‌مالین اشاره می‌کند که همه تجمعات، چه تجمع قصاب‌ها باشد چه جوانان یا هر کس دیگری، جلسات خود را با این نقل قول، با دعایی به درگاه خدایی که در لحظه عضویتشان ناگزیر انتخاب کرده بودند، آغاز می‌کردند.

برای هیزم‌شکن‌ها، این می‌تواند سیلوانوس باشد. برای رستوران‌دارها، می‌تواند باکوس باشد. در هر صورت آکویل و پریسیلا، می‌دانید، یک چیز است، بت‌ها در اطراف وجود دارند، اما شرکت در غذایی که به یک خدای بت‌پرست تقدیم شده یا شما به خاطر آن از یک خدای بت‌پرست تشکر کرده‌اید، چیز دیگری است.

بنابراین، آنها احتمالاً عضو صنف کارگران چرم نبودند. چه در محله کارگران چرم شهر زندگی می‌کردند احتمالاً ترجیح می‌دادند در بخش یهودی شهر زندگی کنند، اما با توجه به تعداد افرادی که از ایتالیا اخراج شده بودند، می‌دانید، مسکن ممکن است به آنچه شما دریافت می‌کردید بستگی داشته باشد. اما در هر صورت، با توجه به این شرایط، آنها خوشحال می‌شدند که یک یهودی دیگر با آنها زندگی کند، به خصوص اگر همه آنها به عیسی مسیح ایمان داشته باشند.

شرایط زندگی. خب، این موارد تا حدودی از روم بهتر از کورینت شناخته شده‌اند، اما کورینت به عنوان یک مستعمره رومی از بسیاری جهات از معماری رومی پیروی می‌کرد. بنابراین، برخی از شرایط زندگی

در ایتالیا، اغلب خانه‌های اجاره‌ای وجود داشت که ثروتمندان در طبقات پایین زندگی می‌کردند. افراد کم‌درآمدتر در طبقات بالاتر زندگی می‌کردند. فقیرترین افراد در اتاق‌های کوچک در طبقات بالا یا اتاق‌های زیرشیروانی کوچک بالای کارگاه‌ها زندگی می‌کردند.

و در واقع، هر چه ارتفاعشان بیشتر می‌شد، کمی از استحکامشان هم کاسته می‌شد. ساختمان‌های آپارتمانی ممکن بود کمی سست شوند. آن زمان ضوابط ساختمانی خیلی محکمی وجود نداشت.

و یک نوجوان، که چیزهای مختلفی را در رم مسخره می‌کرد، او یک طنزپرداز بود، می‌گوید که هر روز صدای فرو ریختن یک ساختمان در جایی از رم یا آتش گرفتن آن را خواهید شنید. مراقب آن منقل‌های زغالی باشید. البته، کاری که آنها برای بهداشت انجام دادند.

رم به خاطر فاضلاب‌هایش معروف بود، اما آب در بهترین حالت فقط تا طبقه پایین جریان داشت. بنابراین به طبقه بالا پمپ نمی‌شد. بنابراین، کاری که مردم در آپارتمان‌های طبقه بالا انجام می‌دادند این بود که ظروفی داشتند که وسایل خود را در آن می‌گذاشتند.

اغلب آن را زیر پله‌ها انبار می‌کردند. قرار بود به محل دفن زباله شهر برده شود، اما اگر به دستشویی می‌رفتید، آن را در لکن مخصوص توالت می‌ریختید. مردم به خاطر خالی کردن آن از پنجره معروف بودند.

و اگر اتفاقی به یک رهگذر برخورد می‌کرد، که گاهی اوقات این اتفاق می‌افتاد، اگر می‌توانستند بفهمند که از پنجره‌ی چه کسی بیرون آمده، واقعاً می‌توانستند به خاطر آن تحت پیگرد قانونی قرار بگیرند. اما در هر

صورت، اغلب به خیابان‌ها پرتاب می‌شد. و همچنین توالتهای عمومی وجود داشت، بنابراین می‌توانستید از امکانات توالت عمومی استفاده کنید.

اما اگر نمی‌خواستید آنقدرها پیش بروید یا وقت نداشتید آنقدرها پیش بروید، می‌توانستید از پسِ کارهایتان برآیید. بنابراین، چند ارباب محله‌های فقیرنشین هم با گروه‌های ضربت بودند تا مستاجران دردرساز را از سر راه بردارند. بنابراین، نمی‌خواستید زیاد شکایت کنید.

این کار بیشتر در مناطق روستایی با مستاجران در املاک بزرگ انجام می‌شد. در مصر، جایی که بیشترین جزئیات اسناد تجاری که در پاپیروس‌ها باقی مانده است را داریم، گاهی اوقات 20 نفر در یک خانه تک اتاقه جمع می‌شدند. مرگ و میر کودکان، و گاهی اوقات مردم یک چهارم اتاق را اجاره می‌کردند یا مالک آن بودند، طبق اسناد تجاری.

بسیاری از مردم بسیار فقیر بودند. اینها کسانی نیستند که معمولاً درباره آنها می‌خوانیم، اما بسیاری از مردم، بسیار فقیر بودند. مرگ و میر کودکان در مصر، تا جایی که می‌توانیم از روی پاپیروس‌ها بازسازی کنیم، ممکن است نزدیک به ۵۰٪ بوده باشد.

بسیاری از نوزادان رها می‌شدند، اگرچه مصری‌ها به این موضوع اعتقاد نداشتند و نوزادان را به فرزندی قبول می‌کردند، یا می‌توانستند طبق قانون روم به عنوان برده بزرگ شوند. در مورد کنیسه قرن‌تس، در آیه ۴، می‌خوانیم. کتیبه از کنیسه صحبت می‌کند. کتیبه‌ای از قرن‌تس پیدا شده است که می‌گوید، کنیسه عبرانیان، به زبان یونانی نوشته شده است.

اما تاریخ آن نامشخص است، و تقریباً مطمئناً مربوط به زمانی متأخرتر از زمان پولس است. این سنگ در نزدیکی آگورا پیدا شده است، اگرچه ممکن است آنجا دقیقاً جایی باشد که عدس ریخته شده است. اما ما از وجود یهودیان در آنجا اطلاع داریم.

قرن دوم، تریفو یک معلم یهودی در آنجا بود. اگر جاستین او را از خودش در نیاورده باشد، فکر می‌کنم احتمالاً او را از خودش در نیاورده است، اگرچه احتمالاً دیالوگ را خودش نوشته است. اما منطقی است که در آنجا یک جامعه یهودی وجود داشته است و ما گواهی برای آن داریم، اگرچه جزئیات کافی از قرن‌تس نداریم تا اطلاعات کاملی در مورد آن بدانیم.

کاری که مورخان رومی اغلب انجام می‌دهند این است که اغلب از کتاب اعمال رسولان به عنوان منبعی برای به دست آوردن جزئیات در مورد برخی از این شهرها استفاده می‌کنند که جزئیات روایی بیشتری در مورد آنها ندارند، به جز از طریق کتیبه‌ها و غیره. اعمال رسولان ۱۸ و آیه ۵. ما چیزهای زیادی در مورد قرن‌تس می‌دانیم، اما اطلاعات زیادی در مورد جامعه یهودی آنجا نداریم. اعمال رسولان ۱۸ و آیه ۵. سیلاس و تیموتائوس آمدند و به مؤمنان تسالونیکی خبر دادند که آنها واقعاً خوب عمل می‌کنند.

پولس از این بابت بسیار خوشحال شد، و آن زمانی بود که برای تسالونیکیان نامه نوشت. و آنها نیز هدیه‌ای از فیلیپی آوردند. و ما در مورد آن در دوم قرن‌تس ۱۱ می‌خوانیم.

بعضی از قرن‌تس شکایت دارند که او به آنها تکیه نمی‌کند، و متوجه می‌شوند که او از فیلیپی حمایت مالی، پذیرفته است. و او می‌گوید، ببینید، من کلیساهای دیگر را غارت کردم تا به شما خدمت کنم. او اغراق‌آمیز، طعنه‌آمیز یا هر چیز دیگری صحبت می‌کند.

اما او نمی‌خواست اجازه دهد که قرنطیان از او حمایت کنند، زیرا آنها می‌خواستند طوری رفتار کنند که انگار حامی او هستند و او موکل آنها. او آزادی می‌خواست تا هر چه را که قرار است بگوید، بگوید. در واقع، من به عنوان یک کشیش و به عنوان یک کشیش وابسته، هرگز حقوق نگرفته‌ام، اما برای بسیاری از چیزهای دیگر حقوق می‌گیرم.

بنابراین، من نمی‌گویم که کشیشان و کشیشان همکار نباید حقوق بگیرند. من برای تدریس حقوق می‌گیرم. من برای تدریس بیشتر از نوشتن حقوق می‌گیرم، هرچند که نوشتن کار، تحقیق و نوشتن بیشتری از من می‌گیرد.

اما بعد انتظار دارند که این موضوع به کلاس درس هم منتقل شود. و بعد من مثل الان که دارم در مورد همه این جزئیات حرف می‌زنم، پرحرفی می‌کنم. اما به هر حال، لطفاً به آنها نگوئید که به من پول ندهند.

چون به هر حال، خوب است که کمی حمایت داشته باشیم، درست است؟ اما به هر حال، پولس از فیلیپی هدیه‌ای دریافت می‌کند، و سپس می‌تواند این کار را تا این حد، حداقل به صورت تمام وقت، متوقف کند و بتواند خود را کاملاً وقف کار خدمت کند. و در کنیسه، اوضاع کمی دودستگی دارد. بعضی‌ها به حرف‌های او اعتقاد دارند و با او موافقت و بعضی‌ها نه.

و بعضی از آنها می‌گویند که این کار را نمی‌کنند، خب، پولس کنیسه را تحویل نمی‌گیرد. او آنجا را ترک می‌کند. اما آنها به خانه‌ی همسایه، تیتئوس جاستیس، می‌روند که ظاهراً یک خیر ثروتمند، غیریهودی و خداترس به کنیسه بود.

و شما نمی‌خواهید مردم را به عنوان اهداکننده بپذیرید. اگر آنها را به عنوان اهداکننده بپذیرید، ناراحت می‌شوند. به هر حال، کنیسه دچار اختلاف شده است، اما پولس متقاعد شده است که حقیقت را می‌گوید.

آنها متقاعد شده‌اند که حق با آنهاست. بنابراین، برخی فکر می‌کنند که تیتئوس جاستیس همان گایوس است که در رومیان ۱۶:۲۳ به عنوان میزبان کل کلیسای قرن‌تس ذکر شده است، اگرچه در مورد معنای آن بحث شده است. شاید به این معنی باشد که او میزبان اصلی بوده است، که در این صورت می‌تواند اینجا باشد، یا شاید فقط به این معنی باشد که او میزبان افرادی است که می‌آیند، مانند پولس.

شاید به این معنی است که او آنقدر ثروتمند است که ملکی دارد، و شاید درست در خارج از شهر قرن‌تس، مکانی به اندازه کافی ثروتمند که همه می‌توانند به طور دوره‌ای در آن جمع شوند. بحث‌هایی در مورد اینکه دقیقاً منظور از رومیان ۱۶:۲۳ چیست، وجود دارد. اما گایوس یک لقب آشنا بود، نه یک عنوان رومی رسمی مانند تیتئوس عدالت. بنابراین، پولس می‌تواند او را در سطح آشنایی با این لقب صدا کند.

لوقا قرار است از عنوان رسمی مثلاً تیتئوس جاستیس استفاده کند. مطمئناً این همان شخص نیست، اما می‌تواند باشد. به یاد داشته باشید، آنها سه نام داشتند.

احتمالاً نشان می‌دهد که این شخص شهروند رومی، (Titius Justice) نام مستعار رومی تیتئوس جاستیس (New Corinth) است. شاید او از یکی از خانواده‌های رومی باشد که در زمان ژولیوس سزار در نیو کورینت ساکن شدند. خانه‌ای که آنها برای اولین بار در آنجا با هم آشنا شدند.

خب، یک تریکلینیوم معمولی، که بهترین اتاق برای ضیافت‌ها در یک خانه بزرگ رومی بود، به طور متوسط از جمله در کورینت، حدود ۳۶ متر مربع مساحت داشت. و خب، در حالت ایده‌آل، حدود نه نفر را در خود جای می‌داد. می‌توانست ۱۲ نفر را در خود جای دهد.

اگر آنها را در صندلی‌ها جا می‌دادید، واقعاً می‌توانستند افراد بیشتری را در خود جای دهند، اما از نظر لم دادن روی مبل‌ها برای ضیافت‌ها، نه تا شاید دوازده نفر. صندلی‌های درجه یک یا صندلی‌های راحتی در تریکلینیوم قرار می‌گرفتند. خب، اگر افراد دیگری هم بودند که می‌خواستند بایند چه؟ خب، هنوز دهلیز خودتان را داشتید.

را (impluvium) با مبلمان معمولی، می‌توانید حدود ۳۰ تا ۴۰ نفر را آنجا جا دهید، اگرچه هنوز هم آبگیر خواهید داشت که آب باران را درست در وسط کف جمع می‌کرد، زیرا سقف باز در وسط وجود داشت. اما می‌توانستید ۳۰ تا ۴۰ نفر دیگر را هم آنجا داشته باشید. بنابراین، جروم مورفی اوکانر به طور خاص بر این موضوع تأکید کرده است.

دیگران گفته‌اند، خب، می‌دانید، همه خانه‌ها دقیقاً مثل هم نبودند. اما این حداقل به ما یک تخمین تقریبی می‌دهد. اگر تمام قرن‌تانی که در اعمال رسولان و نوشته‌های پولس از آنها نام برده شده است، به علاوه خانواده‌هایشان را جمع کنید، ممکن است حدود ۵۰ نفر داشته باشید.

اما احتمالاً تعدادشان خیلی بیشتر از ۵۰ نفر بوده، اما برخی از این افراد که نامشان ذکر شده، رهبران کلیساها یا افراد با جایگاه اجتماعی بالا هستند. اما حتی با وجود ۵۰ نفر، احتمالاً چندین کلیسای خانگی وجود داشته و دلیلی هم برای باور این موضوع وجود دارد، مگر اینکه همه آنها را در کل کلیسای گایوس کنار هم داشته باشید، که بستگی به نحوه خواندن آن در رومیان ۱۶:۲۳ دارد که از کانکری درست بیرون از قرن‌تس نوشته شده است. ملاقات در خانه، فضایی خانوادگی ایجاد می‌کرد و این واقعاً مفید است.

منظورم این است که این فقط به این دلیل مفید نیست که آنها فقط همین را داشتند. همچنین به این دلیل مفید است که شما در چیزی که ما امروزه گروه‌های کوچک می‌نامیم، روابط برقرار می‌کنید. در آنجا یک پویایی وجود دارد، و پویایی برخی از مواردی که پولس در اول قرن‌تین ۱۴ ذکر می‌کند، جایی که همه شما می‌توانید یکی یکی نبوت کنید.

خب، شما نمی‌توانید این کار را در کلیسایی با ۱۰۰۰ نفر عضو انجام دهید. در یک کلیسای خانگی، پویایی وجود دارد که هر کدام از ما هدایای خاص خود را از جانب خدا داریم و می‌توانیم به یکدیگر خدمت کنیم و در مقایسه با کلیسایی با ۱۰۰ یا ۲۰۰ نفر عضو، به صورت رو در رو با یکدیگر آشنا شویم. به همین دلیل است که حتی برخی از کلیساهای بزرگ نیز گروه‌های کوچکی خواهند داشت تا آن پویایی به نوعی بازیابی شود، زیرا کلیسا ساختمان نیست.

ما کلیسا هستیم. ما قوم خدا هستیم. و بنابراین، وقتی برای انجام مراسم کلیسا دور هم جمع می‌شویم، کاری که انجام می‌دهیم مبتنی بر رابطه است.

و اگر رابطه‌ای نباشد، ما بخش کلیدی از پویایی کلیسای اولیه را از دست می‌دهیم. این به آن معنا نیست که نباید ملاقات کنیم، اما چیز دیگری هست که می‌توانیم به آن اضافه کنیم. در فصل ۱۸ و آیه ۸، کریسپوس یکی از رهبران کنیسه است.

او می‌آید. به عنوان رهبر کنیسه، احتمالاً وضع مالی خوبی دارد. اغلب رهبران کنیسه از دارایی‌های خودشان برای نگهداری کنیسه استفاده می‌کنند.

اغلب به این شکل بود که آنها رهبر کنیسه یا حاکم کنیسه‌ها می‌شدند. در فصل ۱۸، آیات ۹ و ۱۰، و ضمناً وقتی در مورد غسل تعمید او صحبت می‌شود، پولس در اول قرن‌تین ۱، می‌گوید، خب، من کریسپوس و گایوس را غسل تعمید دادم. نمی‌دانم کس دیگری را هم غسل تعمید داده‌ام یا نه.

اوه، بله، من این شخص را غسل تعمید دادم. و او با کسانی سروکار دارد که فکر می‌کنند او به نام خودش غسل تعمید داده است. و انگار نه، شما نکته‌ی غسل تعمید را متوجه نشدید.

این برای عیسی است. آنها دچار تفرقه شدند. این یکی از معایب کلیساهای خانگی است که گاهی اوقات وجود دارد. هر چه افراد را به گروه‌های کوچک‌تری تقسیم کنید، مسیرها می‌توانند متفاوت‌تر شوند.

اما اعمال رسولان ۸:۱۸، در مورد غسل تعمید او نیز صحبت می‌کند، کریسپوس غسل تعمید داده شده است. و آنها غسل تعمید داشتند، من فقط این را می‌گویم چون این یکی از چیزهایی است که باستان‌شناسی به ما می‌گوید، اما آنها مکان‌های زیادی داشتند که می‌توانستند در آنجا غسل تعمید انجام دهند. آنها فواره داشتند.

آنها در سراسر کورینت استخرهایی داشتند. برخی از آنها به خدایان اختصاص داده شده بودند. و سپس شما درست در خلیج سارونیک هستید و دریای اژه را دارید.

منظورم این است که غسل تعمید دادن مردم با هر روش غسل تعمیدی که بخواهید استفاده کنید، دشوار نخواهد بود. بنابراین، اعمال رسولان ۱۸: ۹-۱۰، رؤیایا و خواب‌های کتاب مقدس، به ویژه اغلب شامل صحبت خدا یا فرشتگان، به ویژه در عهد جدید، اما نه منحصرراً، می‌شود. منظورم البته، خواب‌های یوسف، خواب‌های فرعون، دانیال که خواب‌های جالبی دید، و نبوکدنصر است.

اما در هر صورت، در منابع بت‌پرستی و اغلب منابع اولیه یهودی، خواب‌هایی از ظاهر شدن مردگان وجود داشته است. ما چنین چیزی را در عهد جدید نداریم. ما چنین چیزی را در کتاب مقدس نداریم.

شما یک مرد اهل مقدونیه را دارید که می‌گوید، «بیا اینجا»، اما هیچ نشانه‌ای از فوت او وجود ندارد. بنابراین، در هر صورت، پولس یکی از این رؤیایا و رویاهای نمونه، ایده‌آل و بهترین نوع را دارد که در آن خدا یا فرشته‌ای ظاهر می‌شود. در اینجا خداوند عیسی بر او ظاهر می‌شود، همانطور که در موارد دیگر در اعمال رسولان اتفاق می‌افتد.

اینجا خواب‌های مورد علاقه‌ی من هستند، آنهایی که خود عیسی را دیده‌ام. او خیلی مهربان است. او خیلی بخشنده است.

این فقط باعث میشه بیشتر عاشقش بشم. اما به هر حال، خداوند به او میگه، نترس. این توی جملات اطمینان بخش رایجه، و توی پیشگویی‌ها خیلی رایجه.

اغلب وقتی خدا یا فرشته‌ای بر کسی ظاهر می‌شود، چه در بیداری و چه در خواب، اولین چیزی که می‌گوید این است: «نترس». و می‌توانید دلایل را ببینید. اینکه من عیسی را در خواب می‌بینم یک چیز است، اما بعضی‌ها می‌گویند فرشتگان را دیده‌اند.

خب، من معتقدم بعضی از مردم در زندگی واقعی فرشتگانی را دیده‌اند که با شکوه و جلال خاصی بر آنها ظاهر می‌شوند. من هرگز چنین چیزی را تجربه نکرده‌ام. اگر روزی آن را تجربه کنم، احتمالاً می‌خواهم فرشته به من بگوید: «تو هم نترس»، زیرا این چیزی فراتر از قلمرو تجربه‌های عادی اکثر ماست.

اما در هر صورت، در باب اعمال رسولان، باز هم، می‌گوید: «جوانان شما رؤیا خواهند دید، پیران شما خواب خواهند دید. من فقط خواب می‌بینم. خب، من پیر هستم، اما به هر حال، رؤیاهایی نداشته‌ام که واقعاً چیزی را با چشمان باز دیده باشم».

اما در هر صورت، اینها چیزهایی هستند که کتاب مقدس نیز آنها را تأیید می‌کند، مشروط بر اینکه رؤیا با آنچه از کتاب مقدس می‌دانیم، مطابقت داشته باشد، که معیاری برای همه ادعاهای مربوط به مکاشفه به ما می‌دهد. اعمال رسولان فصل ۱۸ و آیه ۱۱. پولس ۱۸ ماه را در آنجا گذراند.

بنابراین بعداً وقتی پولس به قرنطیان می‌نویسد، منظورم این است که آنها از قبل برخی از آموزه‌های پولس را دریافت کرده‌اند، اگرچه از زمان رفتن او برخی چیزها تغییر کرده است. در قرنطیان، او تابستان‌های نسیم‌خیز را آنجا می‌گذراند. جریان‌های هوایی وجود داشت که در آنجا به هم می‌رسیدند.

گفته می‌شود که یکی از افراد بدبین از آنجایی که در خیابان زندگی می‌کرد، بسته به فصل، بین آتن و کورینت در رفت و آمد بود. بازی‌های ایسمیتی در آوریل تا مه سال ۵۱ برگزار شد، بنابراین به احتمال زیاد پولس در آن زمان آنجا بوده است. در سال ۱۸۱۲، پولس در آخائیه است.

قرنطس پایتخت آن است. و دوم قرنطیان ۱، می‌دانیم که چیزهایی فراتر از قرنطس به برخی دیگر از بخش‌های اخائیه نیز گسترش یافته است، کلیساهای اخائیه که او از آنها صحبت می‌کند. فرماندار اخائیه یک فرماندار بود.

آنها از سال ۲۷ پیش از میلاد تا سال ۱۵ میلادی و سپس از سال ۴۴ میلادی به بعد، فرماندار خود را داشتند، بنابراین در این زمان یکی از آنها را داشتند. کسی که از نظر سیاسی در مسیر سریعی قرار داشت، آنها از مقام پراتور به فرماندار، مانند فرماندار به کنسول، ارتقا می‌یافتند، که یکی از افرادی بود که مسئولیت روم را بر عهده داشت، البته تحت نظر امپراتور. گالیو در اینجا در سال ۱۸۱۲ شناسایی شده است.

ما گالیو را در جاهای دیگر ادبیات رومی می‌شناسیم. او برادر سنکای جوان، فیلسوف معروف رواقی که قبلاً از او نام بردم، بود. او پسر سنکای سخنور، سنکای بزرگ، بود.

او در کوردووا در اسپانیا، جایی که سنکا اهل آنجا بود، متولد شد، اما توسط بلاغت ثروتمندی که همین الان به او اشاره کردم به فرزندی پذیرفته شد و نامش تغییر یافت. در اصل، او مارکوس آینیاس نوواتوس بود، اما اکنون نامش گالیو است. و او به خاطر جذابیت و شوخ طبعی‌اش شناخته می‌شد، بیشتر به خاطر شوخ طبعی‌اش در این متن تا جذابیتش، اما او به خاطر جذابیت و شوخ طبعی‌اش شناخته می‌شد.

دوستانش او را دوست داشتند. ظاهراً او در آوریل سال ۵۱ به قرنطس فرستاده شد و همانطور که قرار بود در اول ژوئیه همان سال، سمت خود را آغاز کرد. بنابراین، در سال ۵۱، به همین دلیل می‌توانیم تاریخ حضور پولس در قرنطس را تعیین کنیم، زیرا او در برابر گالیو ظاهر می‌شود.

احتمالاً پولس در اواخر سال ۴۹ میلادی، پس از فرمان کلودیوس مبنی بر اخراج یهودیان از روم، به آنجا رسیده است و به همین دلیل است که پرسکلا و آکیلا را در آنجا می‌بیند یا در اواخر سال ۴۹ یا اوایل سال میلادی به آنجا رسیده است. قبل از ژوئیه ۵۲، معمولاً فرماندار برای چند سال در آنجا می‌بود، اما گالیو ۵۰ دوره تصدی خود را به پایان نرساند. او حتی یک سال از دوران تصدی خود را نیز به پایان نرساند.

قبل از جولای ۵۲، او بیمار شد و مجبور به ترک آنجا شد. بنابراین، کتاب اعمال رسولان بسیار دقیق است. این موارد خیلی خوب با هم جور در می‌آیند.

در سال ۴۹، اخراج در زمان کلودیوس، و اکنون در سال ۵۱، زمانی که گالیو فرماندار است. هیچ راهی وجود نداشت که کسی مانند لوقا بتواند مرجعی داشته باشد که در آن به این موارد نگاه کند. این موضوع با باستان‌شناسی مدرن برای ما مشخص است، اما هیچ کتابی وجود نداشت که لوقا بتواند از قفسه کتابخانه بیرون بکشد و بگوید، خب، این فرماندار در این تاریخ بوده است، و بنابراین این با پولس مطابقت دارد.

این چیزی بود که او می‌توانست از پولس یاد بگیرد. و بنابراین، ای. إن. شروین-وایت، که متخصص حقوق روم بود، کتابی در مورد حقوق روم و جامعه روم در عهد جدید نوشت و از دقت کتاب اعمال رسولان در جزئیاتی از این دست بسیار هیجان‌زده بود. همچنین، سال ۵۱، زمان ناآرامی بود.

ما می‌دانیم که در آن زمان کمبود غذا وجود داشت و ناآرامی‌های زیادی در قرن‌تس وجود داشت. بنابراین، این بخشی از آن ناآرامی‌ها بود. او را جلوی خطابه آوردند.

در انتهای شرقی میدان کورینت، مشرف به تراس پایینی میدان کورینت، مانند روسترای رومی، یک سکوی خطابه در مقابل مغازه‌های ستون‌دار وجود داشت. این سکوی مرتفع تقریباً ۵۰۰ فوت طول داشت. این بزرگترین دادگاه در امپراتوری بود.

بنابراین، وقتی پولس در اول قرن‌تس ۶ در مورد اینکه چرا مسائل را به دادگاه‌های غیریهودی می‌بریم صحبت می‌کند، احتمالاً منظورش از بَما، همان دادگاهی است که در زمان امپراتور آگوستوس ساخته شد. با این حال برخی می‌گویند که این دادگاه فقط برای تشریفات و چند امر رسمی استفاده می‌شده است، و بنابراین احتمالاً این دادگاه در آنجا نبوده و در یک ساختمان اداری برگزار می‌شده است.

آشنا بود. او در مورد بَما، کرسی داوری مسیح، کرسی داوری (Bema) در هر صورت، پولس قطعاً با بَما خدا، در رومیان ۱۴، زمانی که از قرن‌تس می‌نویسد، می‌نویسد. در دوم قرن‌تس ۵، او در مورد کرسی داوری مسیح می‌نویسد.

دادگاه‌های حقوقی به خاطر سر و صدای زیادشان و فریادهای خشمگین از هر دو طرف معروف بودند، و این چیزی است که قرار است در جلسه بعدی، زمانی که پولس به دادگاه گاليله برده می‌شود، شاهد آن باشیم.

این دکتر کریگ کینر است که در حال تدریس در مورد کتاب اعمال رسولان است. این جلسه نوزدهم در مورد اعمال رسولان ۱۸ است. پولس به قرن‌تس می‌آید.